

## بررسی مقایسه‌ای ازدواجهای پایدار رضایتمند

### و ازدواجهای در حال جدایی (مطالعه کیفی)

ابوالفضل حاتمی ورزنده<sup>۱</sup>

معصومه اسمعیلی<sup>۲</sup>

کیومرث فرحبخش<sup>۳</sup>

احمد برجعلی<sup>۴</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۴

#### چکیده

پژوهش با هدف شناسایی و مقایسه عوامل مؤثر در ازدواجهای پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال و عوامل مؤثر در طلاق زوجین انجام گرفت. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌گیری‌ها ادامه یافت و داده‌های دو گروه مبتنی بر روش نظریه زمینه‌ای، مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج دو گروه نشانگر این است که سفری به‌سوی بالندگی یا از هم‌پاشی ازدواج مقوله مرکزی الگوی یافته‌های پژوهش است. مقوله شکل‌گیری مناسب ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند است؛ عوامل درون‌شخصی (نگرشهای مؤثر و ویژگیهای شخصیتی مناسب)، بین‌شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی کارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) از جمله عوامل مداخله‌ای (میانجی) مؤثر در ازدواج پایدار است. پیامد نهایی، رضایتمندی (از خود، همسر، فرزندان) و پایداری ازدواج بود. هم‌چنین نتایج ازدواجهای در حال جدایی حکایت دارد که مقوله شکل‌گیری نامناسب ازدواج جزء شرایط علی از هم‌پاشیدن ازدواج است و عوامل درون‌شخصی (نگرشهای ناکارآمد، ویژگیهای شخصیتی نامناسب)، بین‌شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی ناکارآمد) و فرا شخصی (مالی و کاری) از جمله عوامل مداخله‌ای (میانجی) مؤثر در ازدواجهای در حال جدایی است. شرایط زمینه‌ای در زوجین متقاضی طلاق شامل رواج طلاق در خانواده اصلی، سابقه اعتیاد و دوستی با افراد با ازدواجهای ناموفق بود.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج پایدار، طلاق و رضایت از ازدواج، رضایتمندی زناشویی، ازدواج موفق.

abolfazl\_hatami@yahoo.com

۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

masmaeily@yahoo.com

۲ - دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران

kiiumars@yahoo.com

۳ - دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران

borjali@atu.ac.ir

۴ - دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران

## مقدمه

این داستان افسانه‌ای بسیار مشهور است: دو نفر عاشق همدیگر شدند؛ ازدواج کردند و پس از آن شادمانه زندگی کردند. البته زندگی داستان افسانه‌ای نیست. در واقع بسیاری از ازدواجها به طلاق می‌انجامد. در جامعه امریکا طلاق به راه حل نسبتاً رایجی برای نارضایت‌مندی<sup>۱</sup> تبدیل شده است. ۴۱/۶ درصد از همه ازدواجها و ۵۰ درصد از ازدواجهای اول به طلاق ختم می‌شود (کوپان، دنیلز، وسپا و موشر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). در ایران در نه ماهه اول سال ۱۳۹۴ در مقابل هر ۴/۳ ازدواج ۱ طلاق ثبت شده است (سازمان ثبت احوال ایران، ۱۳۹۴).

افزایش طلاق در جامعه ایران به مطالعات بسیاری در این باره منجر شده است. این مطالعات تلاش می‌کند گرایش به طلاق را با بررسی عوامل مؤثر در از هم پاشیدن ازدواجها و پیامدهای آن درک کند (باچاند و کارون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). اینکه بسیاری از ازدواجها برای دهه‌ها ادامه می‌یابد، بیشتر پژوهشهای روانشناختی بر زوجهای نسبتاً جوان و ازدواجهای از هم پاشیده متمرکز است تا ازدواجهایی که پایدار مانده است (ایزابلا استرادا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹).

روابط زن و شوهری پایدار و رضایتبخش، ویژگیهای مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورد. این روابط زن و شوهری محیطی مساعد را برای کودکان فراهم می‌آورد و هم‌چنین رشد و سلامت اعضای خانواده را ارتقا می‌بخشد (میخالیتسیانوف<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴).

از سوی دیگر تعارضات زن و شوهری و طلاق تهدیدهایی جدی برای واحدهای زن و شوهری است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره‌وری کم در کار از جمله این پیامدها برای بزرگسالان به شمار می‌رود. علاوه بر آن برای فرزندان نیز پیامدهای منفی شدیدی در پی دارد. احتمال زیاد بروز اختلالات منس، اضطراب، افسردگی و بزهکاری نوجوانی، بروز مشکلات در مدرسه، ازدواج ناموفق و انتقال الگوهای تبدیلی نافرجام زندگی والدین به نسلهای جدید، مثالهایی از این پیامدها است (محسن زاده، نظری و عارفی،

1 - Dissatisfaction.

2 - Copen, C. Daniels, K., Vespa, J., & Mosher, W.

3 - Bachand, L. & Caron, S.

4 - Isabel Estrada, R.

5 - Michalitsianos, N.

در حالی که برخی ازدواجها به طلاق می‌انجامد، تعدادی از ازدواجها هم هست که سالم و پایدار باقی می‌ماند. تمرکز بر اینکه چه عواملی باعث پایداری این ازدواجها می‌شود، باعث به دست آمدن تصویری می‌شود که می‌تواند در ایجاد و ترویج ازدواجهای پایدار در جامعه سازنده باشد. اگر محققان بتوانند عواملی را شناسایی کنند که ازدواج را روی مسیر خود به سمت موفقیت قرار دهد، جامعه می‌تواند میزان کمتری از طلاق، افزایش دوام، پایداری و رضایت در ازدواج را تجربه کند (نیمتز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

رضایتمندی زن و شوهری، مفهومی است که اغلب برای اشاره به کیفیت، شادکامی و یا این واقعیت به کار می‌رود که نیازهای اساسی بین زوجین در ازدواجشان برآورده می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که رضایت زن و شوهری با بهزیستی<sup>۲</sup> همسران رابطه دارد (کار و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴) و عاملی حفاظتی برای واحد خانواده به شمار می‌رود و کیفیت زندگی بهتر را رقم می‌زند (پلگک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) و قویترین پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی بین تمام عوامل پیش‌بینی‌کننده رضایت از زندگی است (هلر، واتسون و ایلز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴).

اگرچه مطالعات بسیاری در ارتباط با ازدواج انجام شده، کمتر پژوهشی درباره ازدواجهای رضایتمند و پایدار تمرکز کرده است و بیشتر پژوهشگران بر عوامل ازهم‌پاشیدن ازدواجها متمرکز شده‌اند (نیمتز، ۲۰۱۱). مدنظر ما ازدواجهای پایدار بدون رضایت زن و شوهری (پارکر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ دانکان<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱) نیست، بلکه منظور ازدواجهای پایداری است که رضایتمند هستند.

عمده ادراکها در مورد ازدواجهای پایدار رضایتمند از بافت بالینی سرچشمه گرفته است (نیمتز، ۲۰۱۱) و به نظر می‌رسد که بلوکهای سازنده نظری بسیاری از صاحب‌نظران مشهور نظیر اسمالی<sup>۸</sup> (۱۹۹۶) و هارلی<sup>۹</sup> (۱۹۹۴) درباره روابط زن و شوهری سالم بر ادراکهایی مبتنی است که که محیط‌های بالینی نشأت می‌گیرد و از ادراکهایی غافل بوده‌اند که می‌توان از ازدواجهای

1 - Nimitz, M.A.

2 - Well being

3 - Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N.

4 - Peleg, O.

5 - Heller, D., Watson, D. & Ilies, R.

6 - Parker, R.

7 - Duncan, E. M.

8 - Smalley

9 - Harley

رضایتمند به دست آورد.

فرض بنیادی در تحقیقاتی که از دیدگاه توانایی محور به مسائل خانواده می‌نگرند، مثل پژوهش درباره ازدواجهای پایدار رضایتمند، این است که احتمالاً زوجهای با ازدواج پایدار رضایتمند، ویژگیها و منابعی دارند که آنها را قادر می‌سازد تا روابطشان را در برابر فشارهای اجتناب‌ناپذیر زندگی بخوبی حفظ کنند (کاسلو و رابینسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶).

پژوهشهایی در کشورهای دیگر مسئله عوامل مؤثر در ازدواجهای پایدار رضایتمند را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش باچاند و کارون (۲۰۰۱) در مورد ۱۵ زوج با ازدواج پایدار، عوامل زیر شناسایی شده است که به نظر زوجین، عوامل کمک‌کننده به دیرپایی و رضایتمندی در ازدواج بود: دوستی و عشق، احترام<sup>۲</sup> و احساس قدردانی<sup>۳</sup>، اعتماد و وفاداری<sup>۴</sup>، ارتباط خوب<sup>۵</sup>، جنسی خوب<sup>۶</sup>، ارزشهای مشترک<sup>۷</sup>، همکاری و حمایت متقابل<sup>۸</sup>، لذت بردن از زمان مشترک<sup>۹</sup>، توانایی انعطاف‌پذیری هنگام رویارویی با تغییر<sup>۱۰</sup> و حسی از معنویت<sup>۱۱</sup> باور به نهاد ازدواج و فرض بقا<sup>۱۲</sup> ازدواجهای پایدار را توصیف می‌کند.

چونگ<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۵) یادآور شده که ازدواجها دارای شکلها، ساختار و معانی مختلفی در فرهنگهای مختلف است و هم‌چنین طی زمان تغییر می‌کند. در ازدواجهای امروزی در غرب، افراد برای عشق، شادی و کامروایی شخصی با همدیگر ازدواج می‌کنند. آنها در جستجوی چیزی بیش از محیط مولد هستند و تعریف خانواده، خانواده قانونی معمول، همجنسگراها، خانواده‌های تک‌والدی و خانواده‌های ترکیبی را شامل می‌شود (دونگ لی<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۸). دین و قوانین آن در فرهنگ ما (ایران) بخش جدانشدنی از خانواده را تشکیل می‌دهد؛ سنتها و آداب و رسوم خاص فرهنگ ایرانی اسلامی، خانواده ایرانی را متمایز می‌سازد و هم‌چنین فرهنگ جمع‌گرای ایران باعث شده

- 
- 1 - Kaslow, F., & Robinson, J. A.
  - 2 - Respect
  - 3 - Feeling appreciated
  - 4 - Trust and Fidelity
  - 5 - Good communication
  - 6 - Good sexual relations
  - 7 - Shared values
  - 8 - Cooperation and mutual support
  - 9 - Enjoyment of shared time
  - 10 - The ability to be flexible when confronted with change
  - 11 - A sense of spirituality
  - 12 - Assumption of permanence"
  - 13 - Cheung, M.
  - 14 - Dung Le, T. M.

است در ازدواج، همسران بر ارتباط، نועدوستی و دیگرخواهی متمرکز بشوند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳). با توجه به تفاوت‌های اساسی یافته‌های پژوهشگران به نظر می‌رسد نمی‌توان نتایج پژوهش‌های فرهنگ غربی را به فرهنگ ایرانی تعمیم داد.

مطالعات پیشین بیشتر با روش تحقیق کمی به بررسی ازدواج‌های پایدار رضایتمند و حتی بررسی عوامل مؤثر در طلاق زوجین پرداخته اما در این پژوهش از روش پژوهش کیفی برای بررسی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند و عوامل مؤثر در طلاق زوجین استفاده شده است. این رویکرد تلاش می‌کند به جای تمرکز و مرتب کردن برون‌دادها و نادیده گرفتن اهمیت تجربه فردی و خانوادگی، دقیقاً بر تجربه کنشگران متمرکز شود. پژوهش کیفی بویژه در مطالعه خانواده‌ها به دلیل «گشودن پنجره‌ای که از طریق آن می‌توان الگوهای تعامل بین اعضای خانواده را مشاهده کرد» و کشف حجابها از معانی، فرایندها و روابطی متناسبت‌تر ترسیم می‌کند؛ که رسیدن به آنها از طریق دیگر رویکردها مشکل است (هاپکینز - ویلیامز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) و می‌توان از این مسیر دید عمیق و چندبعدی از موضوع تحقیق ارائه کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، این مطالعه درصدد شناسایی و مقایسه عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با عمری بیش از ۲۰ سال و عوامل مؤثر در فروپاشی ازدواجها در زوجین در حال جدایی است.

### روش‌شناسی پژوهش

بیش از صد رویکرد به پژوهش کیفی وجود دارد (دنزین و لینکن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). در این پژوهش از از بین رویکردهای متعدد پژوهش کیفی رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. برخلاف روش پژوهشی فرضیه آزمایی، رویکرد نظریه زمینه‌ای روش پژوهشی مولد فرضیات است. در این روش از سؤال و کاوش باز پاسخ<sup>۳</sup> و نیمه ساختار یافته استفاده شده است؛ به این صورت، که ابتدا با توجه توجه به ادبیات پژوهش، سؤالات مصاحبه نیمه ساختار یافته تدوین شد به گونه‌ای که با سؤالات بتوان عوامل مؤثر بر پایداری و رضایتمندی ازدواجها را از نظر زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند و عوامل مؤثر در فروپاشی ازدواج را در زوجین در حال جدایی جویا شد.

در مصاحبه نیمه ساختار یافته سؤالها در راهنمای مصاحبه با تمرکز بر مسائل یا حوزه‌ای که باید پوشش، و مسیریایی که باید پیگیری شود، گنجانیده می‌شود. توالی پرسش‌ها برای همه شرکت‌کننده‌ها مثل هم نیست و به فرایند مصاحبه و پاسخهای فرد بستگی دارد. اما راهنمای مصاحبه به پژوهشگر اطمینان می‌دهد انواع مشابهی از داده‌ها را از همه آگاهی‌دهندگان گردآوری کند (هومن، ۱۳۹۳ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۴). این نوع مصاحبه در عین تمرکز بر موضوع پژوهش با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آنها دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۹۰ به نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

بنابراین در این پژوهش برای اینکه تمام حوزه‌های ازدواجهای پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال جدایی پوشش داده، و انواع مشابهی از داده‌ها استخراج شود و همچنین به علت انعطاف‌پذیری از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده شد.

پس از طراحی سؤالات مصاحبه، جلسات مصاحبه با زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال جدایی، توسط پژوهشگر مسئول انجام شد. البته قبل از شروع هر مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان برای شرکت در مطالعه و ضبط صدا رضایت گرفته، و راجع به اهداف پژوهش، علت ضبط جلسه مصاحبه، محرمانه ماندن اطلاعات و هویت آنها توضیحات لازم ارائه شد.

تحلیل مصاحبه‌ها طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای، شناسه‌گذاری باز<sup>۱</sup>، شناسه‌گذاری محوری<sup>۲</sup> و شناسه‌گذاری انتخابی (مطابق با رویکرد استراوس و کوربین) استفاده شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). فرایند شناسه‌گذاری داده‌ها در جریان گردآوری داده‌ها به اجرا درآمد. در ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌ها به متن تبدیل شد و برای شناسه‌گذاری باز، متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده، و مفاهیم اصلی استخراج، و به صورت شناسه ثبت شد و سپس شناسه‌های مشابه در دسته‌هایی قرار گرفت. در شناسه‌گذاری محوری طبقات به طبقات محوری خود ربط داده شد تا تبیین‌های دقیقتر و کاملتری درباره پدیده ارائه شود. هم‌چنین در شناسه‌گذاری محوری دسته‌های اولیه‌ای که در شناسه‌گذاری باز تشکیل شده بود با هم مقایسه و آنهایی که با هم شباهت داشت، حول محور مشترکی قرار گرفت. درنهایت در

1 - Open coding  
2 - Axial coding  
3 - Strauss & Corbin

شناسه‌گذاری انتخابی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام، و یک مقوله به‌عنوان مقوله مرکزی انتخاب شد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰).

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش در ازدواج‌های پایدار رضایتمند تمام زوجین دارای ازدواج پایدار همراه با رضایت در شهر زنجان در سال ۱۳۹۳ بود که دارای ازدواجی با بیش از ۲۰ سال دوام و حداقل یک فرزند بودند. جامعه آماری در ازدواج‌های در حال فروپاشی تمام زوجینی بود که متقاضی طلاق در سال ۱۳۹۳ بودند و از طریق دادگاه‌های خانواده به مراکز مشاوره اورژانس اجتماعی بهزیستی استان زنجان ارجاع داده شده بودند.

روش نمونه‌گیری: از نمونه‌گیری گلوله برفی برای شناسایی افراد واجد شرایط دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند استفاده شد؛ به این صورت که از اولین زوج دارای ازدواج پایدار رضایتمند، که به‌طور هدفمند انتخاب شد و مورد مصاحبه قرار گرفت، خواسته شد که زوج دیگری را که می‌شناسند دارای ملاک‌های این پژوهش، و مایل به همکاری باشد، معرفی کنند و پس از تماس با آنها به‌منظور اطمینان از دارا بودن شرایط ورود به پژوهش، ملاک‌های ورود به پژوهش بررسی، و مصاحبه نیمه ساختارمند پژوهش با این افراد اجرا شد. ملاک‌های بررسی در انتخاب نمونه ازدواج‌های پایدار رضایتمند شامل این موارد بود: ۱- زن و شوهر هر دو ایرانی باشند. ۲- ازدواج کنونی اولین ازدواج آنها باشد و دارای حداقل یک فرزند باشند. ۳- زوجین باید در زمان مصاحبه حداقل ۲۰ سال از ازدواجشان گذشته باشد. ۴- زوجین خودشان را به‌عنوان افرادی رضایتمند بشناسند و در پرسشنامه رضایت زناشویی اتریچ نمره رضایت زیاد و خیلی زیاد کسب کرده باشند. ملاک‌های گزینش نمونه، اطمینان را ایجاد کرد که تمام شرکت‌کنندگان در این پژوهش، ازدواج پایدار رضایتمند مورد نظر این پژوهش را تجربه کرده‌اند و دارای اطلاعات غنی درباره موضوع پژوهش هستند.

هم‌چنین با نمونه‌گیری هدفمند از بین زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به اورژانس اجتماعی بهزیستی استان زنجان زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و مصاحبه نیمه ساختارمند پژوهش با این افراد اجرا شد. ملاک‌های ورود در ازدواج‌های در حال فروپاشی شامل ۱- عدم داشتن اختلال روانشناختی و ۲- نداشتن مشکل در فرزندآوری بود. نمونه‌گیری در هر دو گروه ازدواج‌های در حال جدایی و ازدواج‌های پایدار رضایتمند تا حد اشباع نظری یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامد، ادامه پیدا کرد که در نهایت ۲۰ نفر (۱۰ زوج) در ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ۲۰ نفر (۱۰ زوج) در

ازدواج‌های در حال فروپاشی مورد بررسی قرار گرفتند.

### یافته‌ها

مجموعاً ۲۰ نفر (۱۰ زوج) متقاضی طلاق مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختارمند قرار گرفتند که ویژگی فردی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین متقاضی طلاق

تعداد فرزند	سن کنونی	سن در زمان ازدواج	طول مدت ازدواج	میزان تحصیلات	شغل	شرکت‌کننده‌ها
ندارند.	۳۹	۳۳ سال	۶ سال	کارشناسی	آزاد + مدرس مؤسسه	آقای اول
	۳۲	۲۱ سال		کارشناسی	مجسمه‌سازی (هنر)	خانم اول
۱	۳۰ سال	۲۶ سال	۴ سال	دیپلم	لباس‌فروشی	آقای دوم
	۱۷ سال	۱۳ سال		زیر دیپلم	خانه‌دار	خانم دوم
۱ فرزند سقط شده	۲۸ سال	۲۶ سال	۲ سال	دیپلم	تولیدی	آقای سوم
	۲۶ سال	۲۴ سال		دیپلم	خانه‌دار	خانم سوم
ندارند.	۲۸ سال	۱۸ سال	۱۰ سال	زیر دیپلم	کشاورز	آقای چهارم
	۲۳ سال	۱۳ سال		دیپلم	آرایشگر	خانم چهارم
ندارند.	۳۵ سال	۳۰ سال	۵ سال	دیپلم	بازاریاب لباس	آقای پنجم
	۳۴ سال	۲۹ سال		دیپلم	بوتیک زنانه	خانم پنجم
ندارند.	۳۰ سال	۲۸ سال	۲ سال	دیپلم	آزاد (ساخت‌وساز)	آقای ششم
	۳۴ سال	۳۲ سال		دیپلم	خانه‌دار	خانم ششم
۱	۲۶ سال	۲۱ سال	۵ سال	دیپلم	شرکت	آقای هفتم
	۱۸ سال	۱۳ سال		زیر دیپلم	خانه‌دار	خانم هفتم
ندارند.	۳۵ سال	۲۸ سال	۷ سال	دیپلم	آزاد (بیکار)	آقای هشتم
	۴۵ سال	۳۵ سال		دیپلم	خانه‌دار	خانم هشتم
ندارند.	۲۴	۲۳	۱ سال	دانشجوی کارشناسی	کارمند بیمارستان	آقای نهم
	۲۲	۲۱		دانشجوی کارشناسی	خانه‌دار (دانشجو)	خانم نهم
ندارند.	۲۸ سال	۲۷ سال	۱ سال	دیپلم	آزاد	آقای دهم



همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین سنی زنان متقاضی طلاق ۲۷/۸، و میانگین سنی مردان متقاضی طلاق ۳۰/۳ سال است. در دو مورد از زوجین متقاضی طلاق سن زن بزرگتر از مرد، و میانگین اختلاف در این دو زوج هفت سال بود؛ در بقیه زوجین، مردان از لحاظ سنی، بیش از زن سن داشتند؛ به این صورت که میانگین اختلاف سنی در این زوجین ۵/۲۵ سال بود و ۲۰ درصد از زوجین (۲ زوج) هر دو شاغل بودند و ۸۰ درصد از زوجین تک‌شغلی بودند؛ یعنی مرد شاغل بود. میانگین سن زنان هنگام ازدواج ۲۰/۱ سال، و میانگین سنی مردان به هنگام ازدواج ۲۴ سال بود. ۴۰ درصد از مردان مدرک کارشناسی و ۷۰ درصد دیپلم و ۱۰ درصد زیر دیپلم بودند. در مورد زنان هم ۲۰ درصد مدرک کارشناسی ۵۰ درصد دیپلم و ۳۰ درصد هم زیر دیپلم داشتند. مدت دوام ازدواج این زوجین به‌صورت میانگین ۴/۳ سال بود.

هم‌چنین مجموعاً ۲۰ نفر (۱۰ زوج) دارای ازدواج پایدار رضایتمند مورد مصاحبه اکتشافی نیمه ساختاریافته قرار گرفتند که ویژگی فردی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۲ نشان داده شده است.

همان‌طور که در جدول ۲ آمده است، میانگین سنی زنان در ازدواج‌های پایدار رضایتمند، ۴۵/۹ و میانگین سنی مردان با ازدواج‌های پایدار رضایتمند، ۴۹/۸ سال بود. میانگین اختلاف سنی زوجین ۵/۱ سال بود و ۶۰ درصد از زوجین هر دو شاغل بودند. ۴۰ درصد از زوجین تک‌شغلی بودند. میانگین سن زنان هنگام ازدواج ۲۰/۱ سال، و میانگین سنی مردان هنگام ازدواج ۲۴ سال بود. ۲۰ درصد از مردان مدرک ارشد و ۴۰ درصد کارشناسی و ۲۰ درصد دیپلم و ۲۰ درصد زیر دیپلم بودند. در مورد زنان هم ۲۰ درصد مدرک ارشد و ۴۰ درصد کارشناسی و ۱۰ درصد کاردانی و ۳۰ درصد هم زیر دیپلم بودند. مدت دوام ازدواج این زوجین به‌صورت میانگین ۲۵/۸ سال بود.

جدول ۲: ویژگیهای جمعیت شناختی زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند

تعداد فرزندان	سن کنونی	سن زمان ازدواج	مدت ازدواج	میزان تحصیلات	شغل	شرکت کننده‌ها
۲	سال ۵۰	سال ۲۷	سال ۲۳	ارشد	آزاد	آقای اول
	سال ۴۴	سال ۲۱		کارشناسی	بازنشسته آموزش و پرورش	خانم اول
۲	سال ۴۶	سال ۲۶	سال ۲۰	ارشد	کارمند	آقای دوم
	سال ۴۵	سال ۲۵		ارشد	کارمند	خانم دوم
۱	سال ۴۸	سال ۲۴	سال ۲۴	کارشناسی	مهندس ایران ترانسفو	آقای سوم
	سال ۴۷	سال ۲۳		کارشناسی	مهندس ایران ترانسفو	خانم سوم
۲	سال ۴۵	سال ۲۵	سال ۲۰	کارشناسی	مدیرعامل کارخانه	آقای چهارم
	سال ۴۰	سال ۲۰		دانشجوی کارشناسی	خانه‌دار	خانم چهارم
۲	سال ۵۶	سال ۲۱	سال ۳۵	زیر دیپلم	بازنشسته نظامی	آقای پنجم
	سال ۵۳	سال ۱۸		ابتدایی	خانه‌دار	خانم پنجم
۳	سال ۵۳	سال ۲۲	سال ۳۱	کارشناسی	آزاد	آقای ششم
	سال ۴۷	سال ۱۶		کارشناسی	خانه‌دار	خانم ششم
۲	سال ۴۳	سال ۲۳	سال ۲۰	دیپلم	کارمند	آقای هفتم
	سال ۳۸	سال ۱۸		دبیرستان	خانه‌دار	خانم هفتم
۲	سال ۴۸	سال ۲۰	سال ۲۸	زیر دیپلم	آزاد	آقای هشتم
	سال ۴۳	سال ۱۵		زیر دیپلم	بهبیار	خانم هشتم
۲	سال ۶۰	سال ۲۵	سال ۳۵	کارشناسی	کارمند، ناظر ساختمان	آقای نهم
	سال ۵۷	سال ۲۲		کاردانی	پرستار	خانم نهم
۲	سال ۴۹	سال ۲۷	سال ۲۲	دیپلم	آزاد	آقای دهم
	سال ۴۵	سال ۲۳		کارشناسی	پرستار	خانم دهم

در ادامه یافته‌های پژوهش به صورت مقایسه عوامل مؤثر در جدایی با عوامل مؤثر در پایداری ازدواجها آورده شده است. در این راستا به مقایسه عوامل علی، عوامل مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای در دو گروه می‌پردازیم.

جدول ۳: مقایسه عوامل علی در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
کشش و علاقه اولیه	- دوسش داشتم، اون کشش رو	نبودن علاقه اولیه	- هیچ حسی زمان
آمادگی نسبی برای ازدواج	داشتم حالا بگید کشش، عشق	آماده نبودن برای ازدواج	ازدواج بهش نداشتم.
آشنایی پیش از ازدواج	دوست داشتن هر چی که بود این	آشنایی ناقص پیش از ازدواج	- ۱۳ سالم بود ازدواج
انتخاب همراه با میل	جاذبه برای من بود.	ازدواج اجباری	کردم؛ چیزی از ازدواج
انتخاب آگاهانه	- من ۲۳ ساله بودم که ازدواج	انتخاب ناآگاهانه	نمی‌دونستم.
استقلال نسبی	کردم، کارمند بودم و کار کرده بودم و آمادگی داشتم برای ازدواج.	انگیزه نامناسب انتخاب	

همان‌طور که در جدول آمده است در پنج مورد عامل‌های مؤثر شکل متضاد با یکدیگر دارد به این صورت که در گروه پایدار کشش و علاقه اولیه، آمادگی نسبی، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل و انتخاب آگاهانه برای ازدواج صورت گرفته است در صورتی که در ازدواج‌های در حال فروپاشی نبودن علاقه اولیه، آماده نبودن، آشنایی ناقص، ازدواج اجباری و انتخاب ناآگاهانه است.

جدول ۴: مقایسه شرایط زمینه‌ای در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
همسو بودن فرهنگ - فرهنگمون هم‌ترازه آدم	اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده	- الان مثلاً خواهرش دو	بار طلاق گرفته.
احساس می‌کنه بعضی	رواج طلاق در خانواده‌های اصلی	- مامان خودم طلاق	گرفته. بابام هم طلاق داده
خانواده‌ها که هم‌ترازی	خانواده‌های مبدا ناکارآمد	و دوباره ازدواج کردن.	
فرهنگ ندارن به مقدار	سابقه اعتیاد		
اختلافاتی پیش میاد.	دوستی همسر با افراد با ازدواج‌های ناموفق		

شرایط زمینه‌ای در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مواردی همچون همسو بودن فرهنگها و سطح خانواده و نبودن یا زشت بودن طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شود در حالی که ازدواج‌های در حال جدایی با مواردی همچون اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده و رواج طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شود.

جدول ۵: مقایسه عوامل مداخله‌ای (نگرشها) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
نگرشهای مرتبط با خود			
نگاه مثبت به خود	- وقتی گذشته رو نگاه می‌کنم می‌بینم که آدم موفق‌تری بودم.	بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر	- من انگار تو زندگیش وجود ندارم؛ انگار نه انگار که من هستم.
نگرشهای مرتبط با همسر			
قبول داشتن همسر	- خانوم من یه شخص موفقیه، از لحاظ مدارج تحصیلی و علمی به هر حال از نظر جایگاهی که تو دانشگاه خودشون دارن، تو خانواده محیوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن.	قبول نداشتن اقتدار و توانمندی همسر	- مثلاً من تو جیم ۵۰۰۰۰ تومان داشتم می‌گفت فلان چیز مقبولتر دانستن و راحت‌تر بودن با دیگران نسبت به همسر
در اولویت بودن همسر نسبت به فرزند و خانواده‌ها	تو دانشگاه خودشون دارن، تو خانواده محیوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن.	انتظار فراتر از حد توان داشتن از همسر	۱۰۰۰۰۰۰ تومنی بخر. می‌گفتم ۵۰ تومن دارم، می‌گفت این ۱۰۰ تومنی را می‌خری؟ یا نه.
انتظار در حد توان داشتن از یکدیگر	تو دانشگاه خودشون دارن، تو خانواده محیوبیت دارن، از هر لحاظ به هر حال ایشون قوی هستن.	بی‌اعتمادی به همسر	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		باور به عدم تمایل همسر به تداوم زندگی	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		بچه دانستن همسر	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		باور به اینکه کار همسرم برایش از من مهمتر است.	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		بعد ازدواج همسرم باید خانواده‌اش را کنار بگذارد.	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		همسرم به خاطر مال و اموالم با من می‌ماند.	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
		قبول نداشتن همسر در نقشها	خانواده ما وقتی تو که دختری از خانواده پدرت که بیرون اومدی باید اونارو فراموش کنی، باید با خانواده من باشی.
نگرشهای مرتبط با دیگران			
اولویت داشتن خانواده نسبت دیگران	- نهایت سعیم رو می‌کنم به خانواده‌ها کمک کنم، نه به این اندازه که حق خانومم و حق خانواده‌ام رو بخورم برای اینکه اونا کارشون درست بشه.	در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر	- وقتی با دوستانم می‌ریم بیرون، حرفهای اونا رو بیشتر از من قبول داره؛ مثلاً آگه دوستانم بگن بریم پارک می‌ره ولی آگه من بگم نمیداد. زندگی ما همین جوریه.
اهمیت زیاد نداشتن بازخورد دیگران	- نهایت سعیم رو می‌کنم به خانواده‌ها کمک کنم، نه به این اندازه که حق خانومم و حق خانواده‌ام رو بخورم برای اینکه اونا کارشون درست بشه.		

ادامه جدول ۵: مقایسه عوامل مداخله‌ای (نگرشها) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
نگرشهای مرتبط با خانواده مبدأ			
مقبول و خوب دانستن خانواده همسر	- هیچ موقع من کارایی را که مادر خانمم می‌کنه به پای خانمم نمی‌گذارم یا مثلاً برادرش می‌کنه به پای اون نمی‌زارم و ایشون هم همین طور.	نگاه منفی به خانواده همسر	- خانواده اینها از روز اول که منزل ما برای خواستگاری اومدن همه چیز را با دروغ شروع کردن.
جدا کردن حساب همسر از خانواده‌های مبدأ		مسئول دانستن همسر در برابر حرفها و رفتار خانواده و اقوامش	- میگن خواهر تو با محسن اینا دوست بوده سر اون زندگی من رو تهدید می‌کردن.
نگرشهای مرتبط با زندگی			
انتظار سختی داشتن از زندگی	- اختلاف تو هر زندگی‌ای هست؛ منتها اون سعی و تلاشی که انجام میدن برای رفع مشکل و از بین بردن اختلافها مهمه.	انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن	- خانوادش خیلی دخالت دارن؛ احساس می‌کنم این زندگی به سرانجام نمی‌رسه.
پیشفرض تداوم زندگی وجود اختلاف را در زندگی طبیعی دانستن		تردید در مورد تداوم و بقای زندگی	- مثلاً فکر می‌کرد ازدواج اینه که من یه خونه و یه ماشین داشتم دیگه تو زندگی خوشبخته.
نگرشهای مرتبط با دین			
همسو بودن دینی	- قران خیلی بهش آرامش میده مثلاً صبح بعد اذان حتما قران می‌خونه.	تعارض زوج بر سر رفتار و دستوره‌های دینی	- من را مجبور می‌کنه که باید روزه بگیرم، نماز بخونم.
پیروی از احکام دینی	- خیلی ارتباطم با خدا خوبه، هر چی از خدا بخوام باهش راز و نیاز می‌کنم به هم می‌ده.	جایگاه نداشتن رفتار و آداب دینی در زندگی	- موقعهای شهادت آهنگ گوش میدم اون روزهاست که دعوا میکنیم میگه تو گوش نده.
تکیه به خداوند		بی‌اعتقادی	
ارتباط خوب با خداوند	- من از ۱۸ سالگی روزهام رو یک روز هم ترک نکردم، روزهام رو گرفتم حالا شاید به خاطر مأموریت یا مریضی یه روز نگیرم.	بی‌احترامی به اعتقادات همسر	
نقش مثبت خدا در زندگی		تحمیل عقاید و دستوره‌های دینی به همسر	

همان‌طور که یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد عوامل مداخله‌ای زوجین پایدار به بهبود روابط منجر شده ولی در زوجین در حال فروپاشی به تشدید مشکلات منجر شده است. در حوزه نگرشها

زوجین پایدار دارای نگرشهایی کارآمد در ارتباط با خود (همچون نگاه مثبت به خود)، همسر (نظیر قبول داشتن همسر)، دیگران (نظیر اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران)، خانواده مبدأ (نظیر مقبول و خوب دانستن خانواده همسر)، زندگی (نظیر انتظار سختی از زندگی داشتن) و دین (نظیر تکیه به خداوند و همسو بودن دینی) بودند درحالی که زوجین در ازدواجهای در حال فروپاشی دارای نگرشهای ناکارآمد در مورد خود (نظیر بی اهمیت دانستن خود برای همسر)، همسر (نظیر قبول نداشتن اقتدار همسر)، دیگران (نظیر در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر)، زندگی (نظیر انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن)، خانواده مبدأ (نظیر نگاه منفی به خانواده همسر) و دین (نظیر جایگاه نداشتن دین و تعارض بر سر مسائل دینی) بودند.

جدول ۶: مقایسه عوامل مداخله‌ای (ویژگیهای شخصیتی) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواجهای پایدار رضایتمند		ازدواجهای در حال فروپاشی	
ویژگیهای شخصیتی			
خودخواه و خودرأی نبودن	- به خودم گفتم باید اون قدر بجنگم تا ایشون را راضی کنم.	خودرأیی و خودمحوری	- بی مسئولیته؛ اصلاً زیر بار مسئولیت زندگی نمیره. اول
مقاومت (صبور بودن و تحمل سختی‌ها)	- ما سختی زیاد کشیدیم ولی خدای نکرده نگفتم مثلاً من تو را نمی‌خوام چرا اینجوری کردی.	مقاومت ضعیف	زندگی که ما رفتیم خونمون، کرایه خونه اومد، حسن کرایه خونه را بده سرش دو ماه دعوا کردیم.
روحیه جنگنده داشتن، سختکوش و پرتلاش بودن		مسئولیت‌ناپذیری	
از خودگذشتگی			
نوعدوستی			

همان طور که در جدول ۶ نیز آمده است، زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگیهای شخصیتی‌ای نظیر مقاومت، سختکوشی، عدم خودخواهی و خودرأیی، از خود گذشتگی و نوعدوستی بودند درحالی که زوجین در ازدواجهای در حال فروپاشی دارای ویژگیهایی نظیر مسئولیت‌ناپذیری، خودرأیی و مقاومت ضعیف بودند.

جدول ۷: مقایسه عوامل مداخله‌ای (نظام زن و شوهری) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
عشق و تعلق خاطر			
ابراز کلامی و غیرکلامی محبت	- من همسرم را بغل می‌کنم. - خانم احساساتش را نسبت به من خوب بیان می‌کند.	عدم ابراز کلامی و غیرکلامی محبت	- تو زندگی اصلاً منو نمی‌بینی، اصلاً انگار من نیستم، من انگار تو زندگیش وجود ندارم، بچم هم وجود نداره.
مراقبت از هم	اینها رو ما رعایت می‌کردیم (نمی‌گذاشتم وقتی زنم از سرکار)	عدم مراقبت	- خیلی سرد خیلی، من تو زندگیم عشقی نمی‌بینم از این، خیلی سرد.
صمیمیت	بیان بچه‌ها شلوغ کنن تا زنم بتونه استراحت کنه) تا فشار روش نباشه؛ چون آگه فشار روی خانوما زیاد باشه سخته، اذیت می‌شن و دچار استرس میشن.	عدم صمیمیت و علاقه	
تعهد به همسر		تردید در مورد تعهد زن و شوهری	
رابطه جنسی مطلوب		رابطه جنسی نامطلوب	
احساس دلسوزی و شفقت داشتن		بی‌توجهی	
تفریح			
صرف اوقات باهم داشتن تفریحات زوجی	- دوست دارم با شوهرم باشم و اوقاتم رو با اون بگذرونم تا اینکه باشم برم به مهمونی معمولی که برام مهم نیست.	عدم صرف اوقات کافی باهم نبودن تفریحات زوجی	- اصلاً بیرون نمی‌رفتیم؛ وقت نمی‌داشت اصلاً واسه من بیشتر از دست اون ناراحت می‌شدم می‌گفتم کارتو به همه چی ترجیح می‌دی.
حریم سازی و مرزسازی زوجی			
عدم اجازه دخالت اطرافیان	- ما چند تا خواهریم هیچ کدومون مسائلمون رو به خانواده‌هامون انتقال نمی‌دیم. - به خانواده‌ها اجازه دخالت نمی‌دادم.	باز کردن راه دخالت اطرافیان	- حتی مامانم، خواهرم بپاش همه می‌گفتن آره فریبا رو می‌خوایم طلاق بدیم، یعنی یه رویی به خانوادش داده بود یه جسارتی.
عدم انتقال مسائل به خانواده‌های مبدأ و فامیل		باز کردن مشکلات برای خانواده‌ها	
پاسداری از حریم زوجی		عدم پاسداری از حریم زوجی	
عدم انتقال مسائل به فرزندان		وابستگی اعضا به خانواده مبدأ	
مرد در رأس هرم قدرت بودن			
نقشها			
کمک به یکدیگر در ایفای نقشها	- حاج آقا وقتی میومد خونه، می‌دید خونه کثیفه خودش تمیز می‌کرد؛ می‌شست مثلاً لباسهای خودش رو می‌شست.	عدم کمک به یکدیگر در ایفای نقشها	- نمیداد واسه من ناهار درست کنه. از سرکار میام میگم ناهار چی داریم میگه نتونستم درست کنم.
جداسازی و مشخص بودن نقشها		عدم ایفای درست نقشهای خود	
انعطاف‌پذیری در نقشها			

ادامه جدول ۷: مقایسه عوامل مداخله‌ای (نظام زن و شوهری) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
ارتباط	
گفت و شنود مؤثر	گفت و شنود با اشتیاق به حرف‌های هم گوش میدیم، میتونم بگم گفت و گوهامون خیلی لذت بخشه. من می‌تونم حرفمو بهش بگم، راحت یعنی هر حرفی باشه راحت میگم
نبود تحقیر، توهین، دفاعی بودن و سکوت حاکی از بی‌محلّی	نبود گفت و شنود یا گفت و شنود ناکارآمد وجود تحقیر، توهین، دفاعی بودن و سکوت حاکی از بی‌محلّی
بیان انتظارات و خواسته‌ها از هم	بیان نکردن انتظارات و خواسته‌ها از هم
صداقت و نبود پنهانکاری	نبود صداقت مقایسه کردن
مقایسه نکردن اعتماد متقابل	وجود ابزار تهدید و ترس رابطه سطحی
تصمیم‌گیری	
مشورت گرفتن از همدیگر	عدم مشورت و همفکری با یکدیگر
توجه به توصیه‌های یکدیگر	بی‌توجهی به تصمیم‌های یکدیگر یا نادیده گرفتن توصیه‌های یکدیگر
	تصمیم‌گیری خارج از منظومه زن و شوهری
	کمک گرفتن از بیرون به جای حل مسئله در درون
	مدیریت مالی ضعیف
همسویی و مشارکت	
همسویی در علایق، افکار و باورها	عدم همسویی در علایق، افکار و باورها
همراهی و مشارکت	عدم همراهی و مشارکت ترک همسر در سختی‌ها تأکید بر من بودن و نادیده گرفتن ما بودن لذت نبردن از همراهی با یکدیگر

فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال یازدهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۵



ادامه جدول ۷: مقایسه عوامل مداخله‌ای (نظام زن و شوهری) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
تعاملات در جمع			
احترام در حضور جمع	- ما تو جمع به هم احترام می‌زاریم و جلو بقیه بی احترامی نمی‌کنیم به هم.	تعاملات ناکارآمد با همسر در حضور جمع	- وقتی می‌ریم خونه مامانش من و بچه تو اتاق می‌مونیم و اون می‌ره با مامان و باباش می‌خواهه، انگار نه انگار که من اونجا هستم. اصلاً من و بچه رو نمی‌بینه.
اطلاع دادن به همدیگر در مورد رفت و آمدها و دیگر کارها			
آگاهسازی و اجازه گرفتن از یکدیگر	- ایشون طوره که بدون اجازه من پاشو از خونه بیرون نمی‌ذاره یا حتی من که مرد هستم بدون اجازه ایشون کاری را انجام نمی‌دم.	آگاه نکردن یکدیگر	- من بهش زنگ زدم گفتم تو می‌دونی ما قراره بریم شام دعوتیم، چرا اینارو بدون هماهنگی با من شام نگهداشتی، گفت خوشم اومد نگه داشتیم.
کمک به رشد و ارتقای هم			
سعی در رشد و ارتقای یکدیگر	- ما به هم کمک می‌کنیم تا پیشرفت کنیم.		

همان طور که در جدول ۷ نشان داده شده است در نظام زن و شوهری زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای عشق و تعلق خاطر (نظیر ابراز محبت و تعهد به همسر)، تفریح مناسب (نظیر صرف وقت باهم)، حریم سازی زوجی کارآمد (نظیر پاسداری از حریم زوجی و عدم اجازه دخالت اطرافیان)، نقشهای مشخص و کارآمد (نظیر کمک به یکدیگر در ایفای نقشها)، ارتباط خوب (نظیر گفت و شنود مؤثر)، تصمیم‌گیری مؤثر (نظیر مشورت باهم)، همسویی و مشارکت (نظیر همسویی در علایق و افکار)، تعاملات کارآمد در اجتماع، آگاهسازی همدیگر در رفت و آمدها و تلاش در راستای رشد یکدیگر بودند درحالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی در زیر نظام زن و شوهری با خلل و مشکل در مواردی همچون عشق و تعلق خاطر (نظیر عدم ابراز محبت)، تفریح (نظیر نداشتن تفریحات زوجی)، حریم سازی زوجی (نظیر باز کردن راه دخالت اطرافیان)، نقشها (نظیر عدم ایفای درست نقشهای خود)، ارتباط (نظیر مقایسه کردن، تحقیر و توهین به هم)، تصمیم‌گیری (نظیر عدم مشورت و همفکری باهم)، همسویی و مشارکت (نظیر عدم همسویی در علایق و افکار)، تعاملات در جمعها (نظیر تعامل بد با همسر در حضور جمع) و آگاهسازی یکدیگر (نظیر آگاه نکردن یکدیگر) روبه‌رو بودند.

جدول ۸: مقایسه عوامل مداخله‌ای (منظومه والدینی) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
نقش مثبت فرزند	- ما با هم در تربیت فرزندامون هماهنگ و هم نظر عمل می‌کنیم.	بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند	- اوایل همه گفتن بچه بیارید درست میشه، بچه آوردیم بهتر نشد که بدتر شد، سرد بودنشو کامل احساس می‌کنم.
کمک فرزند به والدین	- بچه که به دنیا اومد، زندگی‌مون شیرین شد؛ بچه صمیمیت ما را بیشتر کرد.	تمایل به تداوم زندگی به دلیل فرزند و نه همسر	
همسو بودن در تربیت آموزش به فرزندان		تعارض بر سر بچه‌دار شدن	

همان طور که در جدول نیز آمده است، زوجین دارای ازدواج پایدار رضایتمند دارای منظومه والدینی کارآمد (نظیر نقش مثبت داشتن فرزند، کمک فرزند به والدین) بودند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی با مشکلات در زیر منظومه والدینی (بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند، تمایل به تداوم زندگی به دلیل فرزند) روبه‌رو بودند.

جدول ۹: مقایسه عوامل مداخله‌ای (منظومه خانواده‌های مبدأ و امور مالی) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
منظومه خانواده‌های مبدأ			
مداخله‌گر نبودن	- پدر من خیلی صبور بود؛ صبر رو از اون یاد گرفتم.	رفتارهای مداخله‌گرانه و تضعیف‌کننده منظومه زوجی از سوی خانواده‌های مبدأ	- فامیلای ایشون کرج هستن خب اینا میگن تو این رو نمیبیری ما خودمون میبریم و میاریمش منم میگم جایی که شما میبرید برای شما محرمه ولی من اجازه نمیدم میگن نه شما نمی‌تونید این رو بگید ما میبریم میاریم.
الگوگیری از ویژگیهای مثبت و الگوگیری معکوس از ویژگیهای منفی خانواده مبدأ	- من اونجایی که واسه خانواده من و یا خانواده همسرم که پیش میاد خودم را می‌ذارم کنار و سعی می‌کنم بچسبیم به این مشکل و حلش کنیم.	الگوگیری از رفتارهای منفی خانواده مبدأ	تشنه‌افزایی خانواده‌های مبدأ
نقش مثبت خانواده‌های مبدأ			قطع کردن یا محدودسازی ارتباط همسر با خانواده‌اش
کمک به خانواده‌ها در صورت نیاز			رابطه متعارض با خانواده‌های مبدأ
احترام به والدین در هر صورت			خانواده مبدأ مشکل دار و پرتنش
			اشتراک کاری و محل زندگی مشکل ساز با خانواده مبدأ
امور مالی، شغلی و مسکن			
داشتن شغل نبودن مسائل مالی شدید	- من از همون اول شغل داشتم.	بیکاری و مشکلات شغلی	- ما اصلاً از لحاظ مالی چیزی نداریم که بخوایم اسمش را بزاریم چیزی بوده.
	- تا حالا فقر سراغمون نیومده.	ضعف یا مشکلات مالی شدید	فکرش را بکنید دو ماهه که تو این دو ماه فقط به من دو تا ده هزار تومنی داده.
		ساعات کاری زیاد	
		مشکلات مسکن	

همان طور که در جدول ۹ نیز نشان داده شده است، منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای مشخصاتی نظیر مداخله‌گر نبودن خانواده‌های مبدأ، نقش مثبت داشتن خانواده‌های مبدأ در زندگی زوج بود ولی زیر منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای ویژگیهایی همچون تشنه‌افزایی خانواده‌های مبدأ، مداخله و تضعیف منظومه

زوجی از سوی خانواده مبدأ و رابطه متعارض با خانواده مبدأ بود.

جدول ۱۰: مقایسه راهبردها (واکنش زوجها و خانواده‌های مبدأ هنگام سختی‌ها و اختلافها) در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند	ازدواج‌های در حال فروپاشی
<p>حل تعارض و مدیریت تنش صحیح</p> <p>گفت‌وگو</p> <p>مدیریت خشم</p> <p>حل مسئله</p> <p>استفاده از کمک اطرافیان</p> <p>کاهش حساسیتها</p> <p>آسانگیری، نرمش و کوتاه آمدن</p> <p>سعی در اصلاح و تغییر (خود)</p> <p>معنویت و مذهب</p> <p>حمایت، امیدوار کردن و آرامش دادن به یکدیگر</p> <p>سعی در درک متقابل</p> <p>گذشت</p> <p>عذرخواهی</p> <p>شوخی طبیعی و خنده</p> <p>بازخورد همراه با نرمش و بار مثبت</p> <p>تحمل سختی‌ها</p>	<p>مقابله با فشار روانی ناکارآمد</p> <p>بروز تعاملات منفی در همسران</p> <p>ابراز خشم ناکارآمد</p> <p>پیگیری برای حل مشکل از طریق عوامل بیرونی</p> <p>علنی کردن سختی‌ها برای خانواده و فامیل</p> <p>محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش</p> <p>محبوس کردن یا بیرون کردن همسر از خانه</p> <p>مطرح کردن شروط غیرمنطقی برای بازگشت فرزند بعد از قهر</p> <p>اجازه ندان به فرزندشان برای ادامه زندگی</p> <p>سرزنشگری فرزند به دلیل فکر به طلاق</p> <p>تشویق فرزند برای تصمیم به طلاق</p> <p>پیشنهاد راهکارهای ناکارآمد</p>
<p>۱) واکنش زوج هنگام سختی‌ها و اختلافها (مصداقها)</p>	<p>۲) واکنش خانواده‌های مبدأ هنگام سختی‌ها و اختلافها (مصداقها)</p>
<p>من تو کارای خونه کمکش می‌کردم چون</p> <p>اگه کمکش نمی‌کردم نمی‌تونست بچه‌ها</p> <p>کوچیک بودن شلوغ بودن کسی باید اینارو بیرون ببره گردش ببره نه به کارای خونه برسه وقتی از سر کار میومد خیلی خسته بود من بهش می‌گفتم خانوم شما استراحت کن من خودم هم خسته بودم ولی کار من نسبت به کار ایشون راحت تر بود.</p> <p>به نظر من گذشت شاه کلیده.</p>	<p>- منلاً یه چیزی بهش می‌گفتم سریع می‌رفت به مامانش می‌گفت، منم ناراحت می‌شدم، می‌گفتم چیزی نیست که به کم هم مشکلمون جدی می‌شد زنگ می‌زد به باباش، باباش هم آنی میومد می بردش - یه روز بیدار شدم دیدم گوشه‌ی همراهم رو برداشته؛ اون موقعی که اختلافامون زیاد شده بود، گوشیم رو برداشته گوشه‌ی ثابتمون رو برداشته آیفون رو قطع کرده؛ دیگه دنیا داشت رو سرم خراب می‌شد، نه کسی خونمون می‌اومد نه مامان و بابام می‌اومد نه یه فامیلی و نه من رو می‌برد اونجا.</p>
<p>- وقتی به کم دلخوری پیش میومد خواهرام بهم می‌گفتن شوهر خوبی داری یا منلاً خانوادش خیلی خوبن و آدم احساس می‌کنه خانواده پشتش هست و هوای شوهرت رو دارن.</p>	<p>- برای من شرط و شروطی گذاشتن، گفتم آقا الان وقت شرط و شروط نیست که شرط و شروط رو مرد می‌ذاره اما من به خاطر بچه‌ام قبول کردم.</p>

همان‌طور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در رویارویی با سختی‌ها و اختلافها در زندگی زوجین و خانواده‌های آنها متوسل به راهبردهای کارآمد می‌شدند درحالی‌که راهبردهایی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی و خانواده‌های آنها به کار می‌گرفتند ناکارآمد بوده و به تشدید مشکلات و اختلافها منجر می‌شد؛ به‌عنوان مثال زوجین در ازدواج‌های پایدار رضایتمند از راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله استفاده می‌کردند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم زینبار، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کردند.

جدول ۱۱: مقایسه پیامدها در ازدواج پایدار رضایتمند و در حال فروپاشی

ازدواج‌های پایدار رضایتمند		ازدواج‌های در حال فروپاشی	
پیامدهای مثبت (رضایتمندی و تداوم زندگی)	- روند علاقه‌مونی افزایشی بوده می‌تونم به جرأت بگم که داریم با هم به مسیر خوبی را میریم تا الآن من احساس پشیمانی نکردم و راضی‌ام و ایشون هم.	پیامدهای احساسی منفی (خستگی، تنهایی، غمگینی، نارضایتی)	- واقعا همیشه غم و غصه دارم، دارم دق می‌کنم.
		پیامدهای شناختی منفی (خسران، ادامه زندگی به خاطر ترس از طلاق)	- زندگی را باختم.
		پیامدهای رفتاری (بیگیری طلاق از مراجع قضایی)	- من واقعا می‌خوام طلاق بگیرم.

جدول نشان‌دهنده این است که زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی به پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی در زندگی می‌رسند درحالی‌که زوجین دارای ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زندگی به احساس رضایت و دوام زندگی می‌رسند. در پایان، الگوی نهایی مستخرج از یافته‌های پژوهش در شکل ۱ به تصویر کشیده شده است که مقوله مرکزی، سفری به سوی بالندگی یا از همپاشی ازدواج نام گرفت.



طبقه مرکزی: سفری به سوی بالندگی یا از همپاشی

شکل ۱: الگوی نهایی پژوهش

### بحث و نتیجه گیری

به منظور تبیین بهتر یافته‌های پژوهش، تفاوت ازدواجهای پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال جدایی در مقولات عوامل علی، مداخله‌ای، راهبردها، پیامدها و شرایط زمینه‌ای جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در زمینه مقایسه عوامل علی همسو با یافته‌های این پژوهش فتحی آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) نقل می‌کنند که ازدواجهایی موفق هستند که طرفین شرایط لازم را برای انتخاب داشته باشند و بنابراین لازم است دختر و پسر بدون احساس اجبار برای انتخاب خود احساس آزادی کنند؛ طرفین

از بلوغ فکری و عاطفی لازم برخوردار باشند و بتوانند بین عقل و احساس خود تعادل ایجاد کنند. هم‌چنین از استقلال لازم برخوردار، و آمادگی لازم ازدواج و شروع زندگی مشترک و تلاش برای سازگاری را داشته باشند. نمونه‌ای از این شرایط داشتن درآمد مستمر برای پسر و توانایی اداره خانه برای دختر است. هم‌چنین ازدواج‌هایی موفق خواهد بود که در آن ملاک‌های انتخاب بدرستی رعایت شده باشد.

یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش محسن زاده، نظری و عارفی (۱۳۹۳) همسو است. این پژوهشگران نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ازدواج با انگیزه نامناسب (فرار از فشارهای اجتماعی مجرد ماندن و فضای ناخوشایند خانه پدری) و ازدواج اجباری جزء عوامل قبل از ازدواج ایجادکننده نارضایتی و میل به طلاق است.

در مجموع می‌توان گفت که چگونگی شکل‌گیری ازدواج در پیامدهای ازدواج نقش تعیین‌کننده‌ای دارد به این صورت که اگر در زمان ازدواج هر فرد به استقلال از خانواده‌های اصلی خود رسیده باشد و آگاهانه و همراه میل انتخاب کند و با انگیزه‌های نامناسبی مثل فرار از خانواده پدری نامطلوب، ازدواج نکند، می‌تواند ازدواج را حداقل با زیربنای مستحکم شروع کند که مقاومت و ظرفیت لازم برای سختی‌ها و اختلاف‌های پیش رو در زندگی را داشته باشد. زوجی که با علاقه و با توجه به ملاک‌ها و معیارهای مناسب انتخاب می‌کنند، احساس مسئولیت در مقابل انتخابها خواهند داشت. انتخاب آگاهانه تضمین می‌کند که تصور افراد از ازدواج واقع‌بینانه است؛ یعنی فرد با آگاهی از واقعیت ازدواج وارد این مرحله از زندگی می‌شود.

در زمینه مقایسه عوامل مداخله‌ای در دو گروه دارای ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌ای زوجین پایدار به بهبود روابط منجر می‌شود ولی در زوجین در حال فروپاشی به از هم پاشی ازدواج کمک کرده است. در حوزه نگرشها، زوجین پایدار با نگرشهایی کارآمد در ارتباط با خود (همچون نگاه مثبت به خود)، همسر (نظیر قبول داشتن همسر)، دیگران (نظیر اولویت داشتن خانواده نسبت به دیگران)، خانواده مبدأ (نظیر مقبول و خوب دانستن خانواده همسر)، زندگی (نظیر انتظار سختی از زندگی داشتن) و دین (نظیر تکیه به خداوند و همسو بودن دینی) بودند درحالی‌که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی با نگرشهای ناکارآمد در مورد خود (نظیر بی‌اهمیت دانستن خود برای همسر)، همسر (نظیر قبول نداشتن اقتدار همسر)، دیگران (نظیر در اولویت بودن دیگران نسبت به همسر)، زندگی (نظیر انتظار خوشی مداوم از زندگی داشتن)، خانواده مبدأ (نظیر نگاه منفی به خانواده همسر) و

دین (نظیر جایگاه نداشتن دین و تعارض بر سر مسائل دینی) بودند. منظور از نگرشهای ناکارآمد یا باورهای غیرمنطقی، وجود افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود و موارد جهان پیرامون است. به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) هیچ رویدادی ذاتاً نمی تواند در انسان آشفته‌گی روانی ایجاد کند؛ زیرا تمام محرکها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می شود و بر این اساس، سازش نایافته‌گیها و مشکلات هیجانی ناشی از چگونگی تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات محرکها و رویدادهایی است که افکار و باورهای غیرمنطقی در زیربنای آنها قرار دارد. شایسته، صاحبی و علیپور (۱۳۸۵) نیز نشان دادند که باورها و انتظارات غیرمنطقی از رابطه باعث کاهش رضایتمندی زن و شوهری می شود؛ به عنوان مثال نشان دادند که نگرشهای ناکارآمدی همچون «عدم توافق تخریبگر است» و «همسر نمی تواند تغییر کند» باعث افت رضایت زن و شوهری می شود.

همچنین یافته‌های پژوهش در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان می دهد که زوجین با ازدواج پایدار رضایتمند دارای ویژگیهای شخصیتی نظیر مقاومت، سختکوشی، عدم خودخواهی و خودرأیی، از خود گذشتگی و نوعدوستی بودند در حالی که زوجین در ازدواجهای در حال فروپاشی دارای ویژگیهایی نظیر مسئولیت ناپذیری، خودرأیی و مقاومت ضعیف بودند.

همسو با یافته‌های پژوهش، حسنی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که مسئولیت پذیری یکی از عوامل مهم در رضایتمندی زن و شوهر است. حسینی نسب، و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که بین تیپ شخصیتی و سازگاری زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد به طوری که بین وظیفه‌شناسی (باوجدان بودن) با سازگاری زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که بین دو گروه زوجین متعارض و عادی در خرده مقیاسهای شخصیتی متعددی از جمله کفایت (باوجدان بودن)، نوعدوستی، تلاش برای موفقیت، وظیفه‌شناسی، شایستگی و خویشتن‌داری تفاوت معناداری وجود دارد به این صورت که زوجین عادی در این عوامل شخصیتی نمره‌های بیشتری گرفتند.

می توان گفت که ویژگیهای شخصیتی نظیر مسئولیت‌ناپذیری، خودرأیی و مقاومت ضعیف در زوجین در حال جدایی به تشدید اختلافها و سختی‌های زندگی منجر می شود به این صورت که افراد در برابر سختی‌های زندگی مسئولیت پذیر نیستند و با تأکید بر خودرأیی زمینه تشدید اختلافها را فراهم می سازند. همچنین مقاومت ضعیف زوجین به این منجر می شود که تصمیم به از هم پاشی ازدواج بگیرند تا تصمیم بگیرند همچون زوجین پایدار با سختکوشی و جنگندگی و صبر



در برابر سختی‌ها و اختلافها بر مشکلات فائق آیند.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان می‌دهد که در منظومه زن و شوهری زوجین با ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای عشق و تعلق خاطر (نظیر ابراز محبت و تعهد به همسر)، تفریح مناسب (نظیر صرف وقت با هم)، حریم‌سازی زوجی کارآمد (نظیر پاسداری از حریم زوجی و عدم اجازه دخالت اطرافیان)، نقشهای مشخص و کارآمد (نظیر کمک به یکدیگر در ایفای نقشها)، ارتباط خوب (نظیر گفت و شنود مؤثر)، تصمیم‌گیری مؤثر (نظیر مشورت با هم)، همسویی و مشارکت (نظیر همسویی در علایق و افکار)، تعاملات کارآمد در اجتماع، آگاهسازی همدیگر در رفت و آمدها و تلاش در راستای رشد یکدیگر بودند در حالی که زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی در زیر منظومه زن و شوهری با خلل و مشکل در مواردی همچون عشق و تعلق خاطر (نظیر عدم ابراز محبت)، تفریح (نظیر نداشتن تفریحات زوجی)، حریم‌سازی زوجی (نظیر باز کردن راه برای دخالت اطرافیان)، نقشها (نظیر عدم ایفای درست نقشهای خود)، ارتباط (نظیر مقایسه کردن، تحقیر و توهین به هم)، تصمیم‌گیری (نظیر عدم مشورت و همفکری با هم)، همسویی و مشارکت (نظیر عدم همسویی در علایق و افکار)، تعاملات در جمعها (نظیر تعامل بد با همسر در حضور جمع) و آگاهسازی یکدیگر (نظیر آگاه نکردن یکدیگر) روبه‌رو بودند.

پژوهشهای زیادی بر نقش این عوامل در رضایتمندی یا نارضایتی در ازدواج اشاره کرده‌اند؛ به عنوان مثال در مطالعه‌ای از ۱۱۶۰ درمانگر خواسته شد که مشکلترین حوزه‌های اختلاف زوجین را درجه‌بندی کنند که آنها به ترتیب ارتباطات، انتظارات غیر واقعی از ازدواج و همسر، نداشتن صمیمیت و نشان دادن علاقه را به عنوان مهمترین جنبه‌های مشکلات زناشویی معرفی کردند (مظلومی، ۱۳۸۶).

صمیمیت یکی از نیازهای انسانی است که یک فرایند تعاملی، پویا و ترکیبی است (باگاروزی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). در تبیین یافته‌های این پژوهش می‌توان بیان کرد که در ازدواج‌های پایدار رضایتمند افراد به ابراز احساسات می‌پرداختند و به ارضای نیاز به تعلق خاطر در یکدیگر منجر می‌شد ولی در ازدواج‌های نارضایتمند عدم ابراز احساسات به تشدید مشکلات منجر می‌گردد. یکی از مشکلات زوجین در حال جدایی در پژوهش عدم مشورت و همفکری و بی‌توجهی به

توصیه‌های یکدیگر بود درحالی‌که ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مشورت و همفکری و تصمیم‌گیری مبتنی بر مشارکت‌گذاری افکار و ایده‌ها باعث پویایی رابطه و افزایش رضایتمندی رابطه می‌شود. از سوی دیگر در زوجین در حال جدایی ارتباط به‌صورت ناکارآمد است به این صورت که یا گفت‌وگویی وجود ندارد که به صمیمیت روان‌شناختی منجر شود یا گفت و گو به صورتی است که در آن، افراد به‌جای گفت‌وگوی عمیقی که می‌تواند به شناخت بهتر منجر شود، به توهین و تحقیر و یا انتقاد از یکدیگر می‌پردازند یا در آن تمرکز بر دیگران است به‌جای خود؛ مثلاً با مقایسه کردن همسر با دیگران در عوض ایجاد رضایتمندی به دوری می‌انجامد ولی در ازدواج‌های پایدار، زوجین ارتباط کارآمدی داشتند که به رضایتمندی زوجین منجر می‌گردید. هم‌چنین، ازدواج‌های پایدار با محبت غیرکلامی و رابطه جنسی مطلوب مشخص می‌شدند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی معمولاً با بی‌توجهی به یکدیگر و عدم رضایت جنسی مشخص شدند که یکی از منابع رضایتمندی و صمیمیت در ازدواج را مانع می‌شود.

یافته‌های این پژوهش حاکی از این بود که زوجین در حال جدایی یا مذهب در ازدواج آن‌ها جایگاهی نداشت یا ناهم‌سوایی در مسائل مذهبی، تعارض مذهبی و اجبار و تحمیل عقاید وجود داشت که تمام این موارد نه‌تنها به تحکیم ازدواج منجر نمی‌شود بلکه باعث دوری و نارضایتمندی زوجین می‌گردد؛ ولی در ازدواج‌های پایدار افراد در اعتقاد به مذهب همسو بودند و برخی نیز با تکیه بر مذهب و انجام قواعد مذهبی باعث تقویت بعد معنوی و مذهبی در زندگی خود و در نتیجه ارتقای رضایتمندی می‌شوند. هم‌چنین در ازدواج‌های پایدار نتایج پژوهش مؤید آن است که زوجین تفریحات زوجی دارند که رضایت‌بخش است، در جمع با یکدیگر با احترام برخورد می‌کنند و لحظات لذت‌بخشی را برای هم رقم می‌زنند و از این طریق رابطه خود را ارتقا می‌بخشند ولی زوجین در حال جدایی معمولاً از نبود تفریحات زوجی شکایت دارند و یا از زمان با هم بودن لذت نمی‌برند، معمولاً در اجتماع تعاملات ناکارآمدی با یکدیگر دارند که به نارضایتی همسران منجر می‌گردد.

مرزهای نامشخص باعث فزون آمیختگی اعضا می‌شود که واحد زوجی نتواند استقلال خود را نسبت به خانواده‌های اصلی حفظ کند (گلادینگ، ۱۳۸۶). در پژوهش زوجین در ازدواج‌های در حال جدایی با نقص جدی در مرز‌سازی روشن و مشخص با خانواده‌های اصلی روبه‌رو بودند که زمینه را برای مداخله خانواده‌های اصلی فراهم می‌سازد؛ جایی که زوجین رضایتمند با پاسداری از حریم زوجی و ایجاد مرزی روشن بین واحد زوجی و پیرامون به تقویت واحد زوجی منجر

می‌شدند.

هم‌چنین یافته‌های پژوهش در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان می‌دهد که زوجین با ازدواج پایدار رضایتمند دارای نظام والدینی کارآمد (نظیر نقش مثبت داشتن فرزند، کمک فرزند به والدین) بودند ولی زوجین در ازدواج‌های در حال فروپاشی با مشکلات در زیر نظام والدینی (بدتر شدن اوضاع با ورود فرزند، تمایل به تداوم زندگی به خاطر فرزند) روبه‌رو بودند.

با ورود فرزندان منظومه همسران به منظومه والدینی تبدیل می‌شود و با اینکه حفظ نقشهای مکمل به‌عنوان زوج ضروری است، همسران با مسئولیتهای جدید روبه‌رو می‌شوند و همزمان با رشد فرزندان باید بتوانند بخوبی نسبت به مراحل مختلف رشدی خانواده واکنش نشان دهند و پاسخگوی نیازهای خانواده و فرزندان باشند (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲). تسنگ و مک درموت (۱۹۷۹) انتظارات بیمارگونه والدین از فرزند یا رفتارهای فرزندپروری نامتناسب با سن کودک را نمونه‌های از مشکلات زیر منظومه والدینی می‌دانند (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

در این پژوهش در ازدواج‌های زوجین پایدار رضایتمند، فرزند دارای نقش مثبتی بود و از سوی دیگر والدین متناسب با سن به فرزندان خود آموزشهایی می‌دادند که به شکل‌گیری مهارتهایی در فرزندان منجر می‌شد و می‌توان گفت که زیر منظومه والدینی در این ازدواج‌ها کارآمد بود ولی در زوجین در حال جدایی ورود فرزند به تشدید مشکلات کمک کرده بود یا زیر منظومه همسران فدای زیر منظومه والدینی شده بود؛ یعنی همسر فقط به خاطر فرزند به زندگیش ادامه می‌داد که خود آسیب به شمار می‌رود (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

هم‌چنین یافته‌های پژوهش در ارتباط با عوامل مداخله‌ای دو گروه نشان می‌دهد که منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های پایدار رضایتمند دارای ویژگیهایی نظیر مداخله‌گر نبودن خانواده‌های مبدأ، نقش مثبت داشتن خانواده‌های مبدأ در زندگی زوج است ولی زیر منظومه خانواده‌های مبدأ در ازدواج‌های در حال فروپاشی دارای ویژگیهایی همچون تنش‌افزایی خانواده‌های مبدأ، مداخله و تضعیف منظومه زوجی از سوی خانواده مبدأ و رابطه متعارض با خانواده مبدأ است.

احمدی (۱۳۸۶) در طبقه‌بندی آسیبهای خانواده یکی از مشکلات را در مورد خانواده‌های اصلی ذکر کرد؛ به این صورت که وابستگی به خانواده اصلی، توقع بیش از حد خانواده همسر، دخالت‌های خانواده اصلی، اختلاف در رفت‌وآمد با خانواده‌های اصلی را از آسیبهای در زیر منظومه

خانواده‌های دانست (نیلفروشان، عابدی و احمدی، ۱۳۹۲).

در پژوهش نیز مشکلات با خانواده‌های اصلی در زوجین در حال جدایی به تشدید مشکلات اختلافها کمک کرده بود به این صورت که رفتارهای تنشزا و مداخله‌گرانه خانواده‌های اصلی از یک سو و عدم توافق همسران در چگونگی ارتباط با خانواده‌های اصلی یکدیگر از سوی دیگر به تشدید اختلافها و نارضایتی منجر می‌گشت در حالی که در ازدواجهای پایدار یا خانواده‌های اصلی مثبت بودند و دخالتگر نبودند و یا زوجین با الگوگیری درست نسبت به آوردن مشکلات خانواده‌های اصلی به خانواده خود جلوگیری می‌کردند و همچنین با کمک و احترام به خانواده اصلی منبع انرژی‌بخشی را برای واحد زوجی فراهم می‌کردند که به رضایت و دوام رابطه منجر می‌شود.

در زمینه مقایسه راهبردها در دو گروه با ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواجهای در حال فروپاشی یافته‌های این پژوهش حکایت دارد که در ازدواجهای پایدار رضایتمند در رویارویی با سختی‌ها و اختلافهای زندگی، زوجین و خانواده‌های آنها به راهبردهای کارآمد متوسل می‌شدند در حالی که راهبردهایی که زوجین و خانواده‌های ازدواجهای در حال فروپاشی به کار می‌گرفتند، ناکارآمد بود و به تشدید مشکلات و اختلافها منجر می‌شد؛ به عنوان مثال زوجین در ازدواجهای پایدار رضایتمند از راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله استفاده می‌کردند در حالی که زوجین ازدواجهای در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم مخرب، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کردند.

استفورد و کانری<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) پنج راهبرد حفظ رابطه را مشخص کردند: مثبت‌گرایی (انتخاب رویکردی مثبت به رابطه، ابراز خوشحالی و امید و حمایت و نیز به حداقل رساندن تعابیر منفی و خصم آلود)، باز و راحت بودن (گفت‌وگویی مستقیم در مورد طبیعت رابطه)، اطمینان و دلگرمی‌دادن (تأکید بر پذیرش، عشق و تعهد به همسر)، شبکه‌های اجتماعی (استفاده از خانواده، دوستان و دیگر اعضای شبکه‌های اجتماعی برای تثبیت رابطه) و تقسیم وظایف (تأکید بر وظایف و رضایت فرد از مسئولیتهایی که بر عهده اوست). استفورد، دایتون و هاس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، دو راهبرد دیگر ارائه کردند که شامل نصیحت و مدیریت تعارض است.

پژوهشهای متعددی همسو با یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای نگهدارنده ارتباط در

1 - Stafford, L., & Canary, D. J.

2 - Stafford, L., Dainton, M., & Haas, S.

افراد، تعیین کننده تعهد (رامیرز، ۲۰۰۸؛ بالارد - ریچ و همکاران، ۱۹۹۹)، رضایتمندی از رابطه و دوست داشتن (استفورد و کانری، ۱۹۹۱؛ دیتون و همکاران، ۱۹۹۴) و رضایتمندی از رابطه جنسی (جانسون، ۲۰۰۹) است (صیادی، نظری و ابراهیمی، ۱۳۹۳).

زوجهایی که راهبردهای مثبت حفظ رابطه را بخوبی به کار نمی‌گیرند، طبیعتاً به احتمال زیاد ازدواج ناموفقی خواهند داشت (استنلی، ۲۰۰۳؛ گاتمن و نوتاریوس، ۲۰۰۰؛ گاتمن، ۱۳۷۷؛ فینچام و بیچ، ۱۹۹۹ به نقل از صیادی، نظری و ابراهیمی: ۱۳۹۳).

یافته‌های پژوهش نیز موافق با یافته پژوهشهای یاد شده و حکایت دارد که زوجین پایدار با راهبردهایی نظیر گفت‌وگو، عذرخواهی، گذشت و حل مسئله به رضایتمندی و دوام رابطه خود کمک می‌کنند در حالی که زوجین ازدواج‌های در حال فروپاشی از راهبردهای ناکارآمدی همچون ابراز خشم زینبار، محدود کردن یا قطع کردن ارتباط همسر با خانواده‌اش استفاده می‌کنند که به بدتر شدن وضعیت و افزایش میل به جدایی در همسران منجر می‌شد.

در زمینه مقایسه پیامدها در دو گروه با ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که زوجین ازدواج‌های در حال جدایی به پیامدهای احساسی، شناختی و رفتاری منفی در زندگی می‌رسند در حالی که زوجین با ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زندگی به احساس رضایت و دوام زندگی می‌رسند.

از دهه ۱۹۳۰ دانشمندان در جستجوی تبیین کلی از رضایتمندی زن و شوهری بوده‌اند. پژوهشگران قبلی دریافته‌اند که بسیاری از جنبه‌های رابطه می‌تواند رضایت کلی از ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد؛ از این جنبه‌ها می‌توان از مواردی نظیر ارتباط مؤثر، تعاملات مثبت، مدیریت تعارض، حل مسئله و صمیمیت نام برد (راگوف، ۲۰۱۳).

روزن گراندون، مایرز و هاتی (۲۰۰۴) در پژوهشی به مرور مطالعات بررسی‌کننده ویژگیهای رضایتمندی زن و شوهری پرداختند. این پژوهشگران بیان کردند که وفاداری، درک کردن، زندگی جنسی خوب، فرزندان، علایق مشترک، مشارکت در کارهای خانه‌داری، داشتن پول کافی و اشتراک در زمینه‌ای مشابه مهمترین متغیرهای همبسته با رضایتمندی زن و شوهری است.

به اعتقاد لی و فانگ (۲۰۱۱) عوامل درون شخصی (شخصیت)، بین شخصی (ارتباط و درک رفتار همسر) و محیطی (حضور فرزند، رضایت زن و شوهری والدین، وضعیت اقتصادی و سیاستهای حکومتی) متعددی هست که تعیین کننده رضایت زن و شوهری است.

سطوح پایین رضایتمندی زن و شوهری می‌تواند برای رابطه آسیبزا باشد؛ از این رو که ممکن

است آشفته‌گی جسمانی را موجب، و به کاهش ارتباط، نداشتن صمیمیت و طلاق منجر شود و هم‌چنین سطوح ضعیف رضایتمندی با وقوع زیادتر افسردگی، اضطراب و اختلال سوء مصرف مواد مرتبط است (لی و فانگ، ۲۰۱۱).

می‌توان گفت که در ازدواج‌های در حال جدایی شکل‌گیری نامناسب ازدواج در ابتدا، نگرش‌های ناکارآمد، شکست در حریم‌سازی، خلل در عشق، تعلق خاطر، تفریح، تصمیم‌گیری و همراهی و ویژگی‌های شخصیتی ناکارآمد در ادامه زندگی و استفاده از راهبردهای ناکارآمد طی زندگی به پیامدهایی همچون خسران، احساس خستگی و تنهایی و میل به طلاق منجر می‌شود در حالی که در ازدواج‌های پایدار شکل‌گیری مناسب ازدواج در ابتدا، نگرش‌های کارآمد، عشق و تعلق خاطر، تفریح، همراهی، تصمیم‌گیری حریم‌سازی و ارتباط مناسب در ادامه ازدواج و استفاده از راهبردهای کارآمد در طی زندگی باعث رضایتمندی و دوام ازدواج می‌شود.

در زمینه مقایسه وضعیت زمینه‌ای در دو گروه با ازدواج پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال فروپاشی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرایط زمینه‌ای در ازدواج‌های پایدار رضایتمند با مواردی همچون همسو بودن فرهنگها و سطح خانواده و نبودن یا زشت بودن طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد در حالی که ازدواج‌های در حال جدایی با مواردی همچون اختلاف فرهنگی زیاد دو خانواده و رواج طلاق در خانواده‌های اصلی مشخص می‌شد.

ویتون، رودز، استانلی و مارکمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) مدعی هستند که فرزندان طلاق وقتی وارد ازدواج می‌شوند، تعهد کمتری نسبت به رابطه دارند و به توانایی‌های خود برای ایجاد و حفظ رابطه‌ای شاد با همسرشان اعتماد کمی دارند که می‌تواند به استفاده از راهبردهای ناکارآمد در مقابله با سختی‌ها نیز منجر گردد.

همسو با یافته‌های پژوهش یافته‌های پژوهش ویتون، رودز، استانلی و مارکمن (۲۰۰۸) نشان داد که طلاق والدینی در زنانی که والدینشان طلاق گرفته بودند با تعهد ضعیف به رابطه و اعتماد کمتر به رابطه، ارتباط دارد.

در این پژوهش نیز طلاق در خانواده‌های زوجین پایدار زشت شمرده می‌شد و این زوجین معمولاً در خانواده‌های منسجم بزرگ شده بودند و این باعث شده بود که زوجین بتوانند الگوی مناسبی برای زندگی مشترک داشته، و از عوارض طلاق والدین در امان باشند و بتوانند از

1 - Whitton, S.W.; Rhoades, G.K.; Stanley S.M.; Markman, H.J.

راهبردهای مناسب استفاده کنند؛ اما طلاق در خانواده‌های زوجین در حال جدایی تقریباً رایج بود و این باعث شده بود که این زوجین با مبتلا شدن به آسیبهای طلاق والدینی در زمان مشکلات سختی‌ها نیز راهبردهای ناکارآمدی را انتخاب کنند. همین‌طور تفاوت‌های فرهنگی زیاد نیز زمینه را برای سوء تفاهمها و اختلافها ایجاد می‌کند.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که ایجاد ازدواج پایدار همچون سفری به‌سوی بالندگی و رشد واحد زوجی است؛ رسیدن به ازدواج بالنده اتفاقی ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که با گذر از فراز و نشیب‌های زندگی، زوجین می‌توانند به آن برسند و مانند هر سفری زیباییها و سختی‌های خاص خود را دارد و افرادی که از ویژگیهای شخصیتی کارآمد، نگرشهای کارآمد، توانایی ایجاد و هدایت منظومه‌های کارآمد، راهبردهای مقابله با سختی و اختلاف کارآمد برخوردارند، می‌توانند در این سفر پرفرازونشیب به مقصد پایداری رضایتمند برسند؛ به طلاق انجامیدن نیز ناگهانی نیست بلکه فرایندی است که عوامل متعددی در طول این فرایند دست‌به‌دست هم می‌دهد تا افراد فرایندی بی‌سرانجام و تلخ را تجربه کنند.

#### منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). خانواده ایرانی. تهران: نشر علم.
- حسنی، محمد؛ مختاری، محمدرضا؛ صیادی، احمدرضا؛ ناظر، محمد؛ نیرومند، علی (۱۳۹۱). ارتباط بین مؤلفه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان در سال.
- فصلنامه سلامت جامعه. شماره ۶: ۳-۶.
- حسینی، زهرا؛ خلقی، زهرا؛ جابری، سمیه؛ صدیقی، اکرم؛ صالحی، وجیهه؛ تفویضی، متین؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی زاده، مریم السادات (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوجین متعارض و عادی با استفاده از پرسشنامه شخصیتی ۵ عاملی نئو. مجله پزشکی قانونی. شماره ۱۹: ۶۷.
- حسینی نسب، سید داوود؛ بدری گرگری، رحیم؛ قائمیان اسکویی، آيسان (۱۳۸۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی. شماره ۲: ۱.
- سازمان ثبت‌احوال ایران (۱۳۹۴). برگرفته از وبسایت <https://www.sabteahval.ir/Default.aspx?tabid=4822>
- شایسته، گلناز؛ صاحبی، علی؛ علیپور، احمد (۱۳۸۵). بررسی رابطه رضایتمندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی. شماره ۲: ۷.

- صادقی، مسعود؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا (۱۳۹۴). تدوین مدل خانواده سالم بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده (یک پژوهش کیفی). **فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده**. ۵(۱): ۱۷۰-۱۴۱.
- صیادی، محمد سجاد؛ نظری، علی محمد؛ ابراهیمی، محمد (۱۳۹۳). نقش باور به مقدس بودن ازدواج در شادکامی. **فصلنامه روان‌شناسی دین**. شماره ۷: ۱.
- فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی نوده، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان. **فصلنامه دانش‌سور رفتار**. شماره ۱۱: ۷.
- گلادینگ، ساموئل (۱۳۸۶). **خانواده‌درمانی، تاریخچه، نظریه و کاربرد**. ترجمه فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی. تهران: انتشارات تزکیه
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد؛ عارفی، مختار (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زن و شوهری و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). **مطالعات راهبردی زنان**. شماره ۱۴: ۵۳.
- نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، محمدرضا؛ احمدی، سید احمد (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی خانواده (طبقه‌بندی و سنجش). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- Bachand, L. & Caron, S. (2001). Ties that bind: A qualitative study of happy long-term marriages. **Contemporary Family Therapy**, 23(1).
- Bagarozzi, D. A. (2001). **Enhancing intimacy in marriage: A clinicians handbook**. BrunnerRoutledge.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. **Journal of Marriage and Family**, 76.
- Cheung, M. (2005). A cross-cultural comparison of gender factors contributing to long-term marital satisfaction: A narrative analysis. **Journal of Couple and Relationship Therapy**, 4(1).
- Copen, C., Daniels, K., Vespa, J., & Mosher, W. (2012). First marriages in the United States: Data from the 2006-2010 National Survey of Family Growth. **National Health Statistics Report**, 49.
- Copen, C., Daniels, K., Vespa, J., & Mosher, W. (2012). First marriages in the United States: Data from the 2006-2010 National Survey of Family Growth. **National Health Statistics Report**, 49.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (1994). **Handbook of qualitative research**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Duncan, E. M. (2011). **african American marriages: the impact of levels of acculturation, commitment and religiosity upon marital stability**. Doctoral dissertation in Marriage and Family Therapy. Saint Louis University.
- Dung Le, T. M. (2008). **Vietnamese Couples' Perceptions of the Factors that Contribute to Satisfaction in Long-Term Marriages**. A M.A. Dissertation in social work. University of Manitoba.
- Ellis, A. (2001). **Overcoming destructive beliefs, feelings, and behaviors**. Amherst, NY: Prometheus Books.
- Heller, D., Watson, D., & Ilies, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: a critical examination. **Psychological Bulletin**, 130(4).



- Hopkins-Williams, Katrina D.(2007). **“yes, they’re out there”: a qualitative study on strong African American marriages**. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Louisiana State University.
- Isabel Estrada, R.(2009). **An Examination of Love and Marital Satisfaction in Long-term Marriages**. Doctoral dissertation. The Morgridge College of Education, University of Denver.
- Kaslow, F., & Robinson, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. **American Journal of Family Therapy**. 24.
- Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. **Review of General Psychology**. 15.
- Michalitsianos, N.(2014). **Resiliency: a resource for promoting marriage satisfaction**. M.A. dissertation in Marriage & Family Therapy. Kean University.
- Nimtz, Mark A.(2011).**satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage:a phenomenological study**. Doctoral dissertation, ProQuest Dissertations and Theses, Liberty University.
- Parker, R. (2002). Why marriages last: A discussion of the literature. **Australian Institute of Family Studies, Research Paper**. 28.
- Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life. **American Journal of Family Therapy**. 36(5).
- Rogoff, L.(2013). **The Influence of Family Communication Patterns, Marital Typology, and Level of Intimacy on Marital Satisfaction for Couples Living in the United States**. Doctoral dissertation in clinical psychology. Walden University.
- Rosen-Grandon, J. R, Myers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. **Journal of Counseling and Development**. 82.
- Stafford, L., & Canary, D. J. (1991). Maintenance strategies and romantic relationship type, gender, and relational characteristics. **Journal of Social and Personal Relationships**. 8.
- Stafford, L., Dainton, M., & Haas, S. (2000). Measuring routine and strategic relational maintenance: Scale revision, sex versus gender roles, and the prediction of relational characteristics. **Communication Monographs**. 67.
- Strauss, A. and Corbin, J.(1990). **Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques**. Newbury Park, CA: Sage Publications.
- Whitton, S.W.; Rhoades, G.K.; Stanley S.M.; Markman, H.J.(2008) Effects of parental divorce on marital commitment and confidence. **Journal of Family Psychology**. 22.

به این مقاله این گونه استناد کنید:

حاتمی ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ برجعلی، احمد (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی (مطالعه کیفی). فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. شماره ۳۵: ۷ تا ۳۹.